

Jurisprudential Attitude Towards Dealing with Infectious Diseases

Sajida Alabdolkhani*

Abstract

The holy sharia of Islam places great emphasis on the need to protect the lives, property and reputation of Muslims; There are many examples in religious sources about the recommendation to fight infectious diseases, which can be shown in different sections of hadith and jurisprudence. Maintaining health against infectious diseases and self-care in its field is one of the main rules of jurisprudence that is crystallized in the relevant jurisprudential texts and rules. Imami jurisprudence is so sound and strong that it emphasizes the need to save lives and the process of educating people in dealing with the patient and believes that if the experts in any subject (who are doctors in this matter) issue a ruling based on their expert opinion And forbid attending gatherings such as congregational prayers and pilgrimages to holy places and religious delegations, etc., due to the existing dangers, since it is mustahab to participate in this ceremony and to prevent the spread of the disease according to the rule. "No harm", "Obligation to avoid possible harm by reason" and "Guidance" are obligatory; According to the no-harm rule, the sharia ban on attending these gatherings is created and the preservation of life is paramount. The narrations also emphasize that if a contagious disease such as cholera and plague

* Assistant Professor, Bint al-Huda center, Al-Mustafa International University, Qom, Iran,
sajida.2013@yahoo.com

Date received: 23/07/2021, Date of acceptance: 01/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

spreads somewhere, one should avoid attending meetings. This article examines the religious teachings against the contagious disease from a jurisprudential perspective.

Keywords: Life preservation؛ infectious disease؛ Imami jurisprudence؛ medical science؛ patient.



نگرشی فقهی بر مقابله با بیماری‌های واگیردار

ساجده عبدالخانی*

چکیده

شرع مقدس اسلام تأکیدات فراوانی درباره لزوم حفظ جان، مال و آبروی مسلمانان دارد؛ نمونه‌های بسیاری در منابع دینی در مورد توصیه به مقابله بیماری‌های واگیردار وجود دارد که در بخش‌های مختلف ابواب حدیثی و فقهی می‌توان آن‌ها را نشان داد.

حفظ تندرستی و سلامت در برابر بیماری‌های واگیردار و خود مراقبتی در این شرایط، یکی از اصلی‌ترین دستورات فقه است که در متون و قواعد فقهی مربوط تبلور یافته است. فقه امامیه به قدری متقن و مستحکم است که بر وجوب حفظ جان و فرایند آموزش به افراد در برخورد با بیمار تاکید داشته و قائل است، اگر متخصصین هر موضوع (که در این مساله پزشکان هستند) بر اساس نظر کارشناسی خود، حکمی را صادر کنند و حضور در اجتماعاتی چون، نمازهای جماعت و زیارات اماکن مقدسه و هیئت‌های مذهبی و عزاداری و ... را به دلیل خطرات موجود، ممنوع اعلام کنند، از آنجا که، شرکت در این مراسم، مستحب بوده و جلوگیری از شیوع بیماری بر اساس قاعده «لاضرر» و «وجوب دفع الضرر المحتمل بحکم العقل» و «ارشاد»، واجب می‌باشد؛ مطابق قاعده لاضرر ممنوعیت شرعی حضور در این اجتماعات ایجاد شده و حفظ جان مقدم است. در روایات نیز به این مساله تاکید شده که اگر جایی بیماری واگیردار مثل وبا و طاعون فراگیر شود، باید از حضور در اجتماعات حذر کرد.

این نوشتار به بررسی، دستورات و تعالیم دینی در مقابله با بیماری‌های واگیردار، از منظر فقهی پرداخته است.

* استادیار، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران،
sajida.2013@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

کلیدواژه‌ها: حفظ جان، بیماری واگیردار، فقه امامیه، علم پزشکی، بیمار.

۱. مقدمه

انسان، آفریده خدا، خلیفه و امانتدار اوست و برای زندگی و حیاتی آفریده شده که در پیوندهای گوناگون خود، خدا محور بوده و در این زندگی و بندگی، به بدن سالم نیاز دارد و بهره‌مندی همه جانبه او از سلامتی، اساس فعالیت های وی در زندگی مادی و معنوی است که در زبان پیامبر گرامی (ص) از آن به «نعمت پنهان و ناشناخته» یاد شده است، زیرا یکی از عوامل آرامش زندگی و بندگی خدا، برخورداری از جسم و جان سالم است، از این رو، عقل و شرع، حفظ تندرستی و حفظ نفس را لازم و واجب شمرده‌اند.

حفظ جان یکی از انگیزه های دیگر خود مراقبتی در افراد است که در روایات اسلامی بدان اشاره شده است. در اسلام خوردن برخی از خوراکی ها از جمله مردار، خون، گوشت خوک و حتی گِل (مستغفری، ۱۳۸۵ ق، ص ۲ - ۳۱)

به دلیل اینکه سلامتی انسان را به خطر می اندازد، حرام اعلام شده، اما هنگامی که حیات انسان به طور جدی در خطر افتد و چاره ای جز خوردن خوراکی های مذکور نباشد، خوردن در حد ضرورت آنها نیز مجاز و بلکه لازم دانسته می شود. (بقره ، آیه ۱۷۳)

اهمیت حفظ جان، ادامه حیات و سلامتی در اسلام تا بدان حد است که گاه، انجام برخی رفتارها و یا حتی عبادات مهم، به سبب حفظ سلامتی، مورد تأکید قرار می گیرد. از رسول خدا (ص) روایت شده است که می فرماید: « صوموا تصحوا » (ابو حنیفه، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۳۴۲)؛ روزه بدارید تا تندرست باشید.

همین مضمون در مورد سفر کردن و انجام مناسک حج و عمره نیز وارد شده است. (صدوق قمی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۲۶)

شیوع بیماری واگیردار در هر منطقه و بلاد، از آنجا که، جان انسان‌ها و سلامتی بشر را در معرض تهدید قرار می دهد لازم است که تدابیر و اقدامات بهداشتی و پزشکی دقیق و ضابطه مند برای مبارزه با این بیماری سریع الانتشار و خطرناک صورت بگیرد. از دیدگاه اسلام هر چیزی که کمک به سلامت جامعه و عدم شیوع بیماری واگیر دار کند،

یک حسنه بوده و در نقطه‌ی مقابل هر آنچه موجب شیوع بیماری واگیردار شود، سیئه است. زیرا از دیدگاه اسلام، بشر نسبت به سلامت خود و سلامت افراد جامعه، مسئول می‌باشد. بی‌شک رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و محیطی جدای از آثار و عوارض آن، مستحب مؤکد و از ارزشهای پسندیده اسلامی است. این نوشتار به بررسی، دستورات و تعالیم دینی در مقابله با بیماری‌های واگیردار، از منظر فقهی پرداخته است.

۲. اهمیت بهداشت و حفظ سلامتی از نظر اسلام

محافظت و مراقبت در نظافت و بهداشت فردی و عمومی مورد تأکید دین است و راه‌کارهایی هم در این راستا پیشنهاد شده است.

در اهمیت و ارزش بهداشت همین بس که از نظر قرآن و شریعت اسلامی یکی از مهم‌ترین روش‌های ارزش‌گذاری هر چیزی توجه به مساله بهداشت و پاکیزگی آن است. از این رو، تنها چیزهایی قابل ارزش‌گذاری هستند و در معاملات می‌توانند به عنوان کالا مطرح شوند که از ویژگی بهداشت و پاکیزگی برخوردار باشند و هر چیز ناپاک که از آن به خبیث یاد می‌شود، از دایره کالا بودن بیرون می‌رود. خداوند متعال در آیه ۱۰۰ سوره مبارکه مائده در مقام سنجش و ارزش‌گذاری میان چیزهای دنیوی به تفاوت میان چیزهای پاک و ناپاک اشاره کرده و می‌فرماید « قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ... » (مائده، آیه ۱۰۰) در آیه مساوی نبودن اشیای پلید و غیربهداشتی با اشیای پاکیزه و بهداشتی به عنوان یک ملاک سنجش طبیعی در آدمی معرفی می‌شود. خداوند در آیه ۱۵۷ اعراف تأکید می‌کند که هر چیز پاکیزه و سالم و سازگار با طبع آدمی حلال بوده و هر چیزی که کثیف و با طبع انسان ناسازگار است حرام می‌باشد «... وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ... »؛ (اعراف، آیه ۱۵۷)

در مورد بهداشت بدن، قرآن به لزوم غسل از جنابت و تطهیر بدن «... وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا...» (مائده، آیه ۶) و تشویق انسان به شستشو با آب، پس از خروج مدفوع می‌کند «... أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ...» (همان)

به علاوه قرآن به نقش آب در پاکیزگی نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: «... وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا...»؛ از آسمان آبی فرو فرستادیم که پاک و پاک‌کننده است.

سفارش اسلام برای وضو گرفتن پیش از هر نماز واجب و مستحبی و یا غسل های واجب و مستحب دلیل محکمی بر اهمیت نظافت و پاکیزگی در آموزه های اسلامی است. در سوره مائده می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ... »؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپاخواستید صورت و دستها را تا آرنج بشوئید و سر و پاها را تا مفصل (یا برآمدگی پشت پا) مسح کنید. (مائده، آیه ۶)

از رسول گرامی اسلام روایت شده است که فرمودند: « إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَنْظَفُوا، فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا النَّظِيفُ » (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۳۵۱). ؛ اسلام پاکیزه است، پس خود را پاکیزه کنید، چرا که جز پاکیزه به بهشت وارد نشود و روایت دیگری از ایشان که می فرماید: «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ مَعَ صَاحِبِهِ فِي الْجَنَّةِ» (مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵۹، ص ۲۹۱) ؛ نظافت از ایمان است و ایمان با صاحبش در بهشت اند ؛ و نیز فرموده اند: « بَسَّسَ الْعَبْدُ الْقَادُورَةُ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۳۹) ؛ بدترین بندگان چرکین‌هایند. و «إِنَّ اللَّهَ يُغِضُ الْوَسَخَ وَالشَّعَثَ» (متقی، ۱۴۰۱ ق، ج ۶، ص ۶۴۱) ؛ خدا چرکین بودن و زویدگی را دشمن می‌دارد.

امام صادق (ع) نیز در احادیثی می فرماید: « مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظِيفُ (تحف العقول، ص ۴۴۲) »؛ پاکیزگی از اخلاق پیامبران است. همچنین حضرت فرمود: « مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ... نَظَافَةُ مُتَوَضِّئِهِ » (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۲۶)؛ داشتن وضوخانه [دستشویی] پاکیزه، بخشی از سعادت انسان است.

رسول خدا (ص) می فرماید: «يَا أَنَسُ! أَكْثَرُ مِنَ الطُّهُورِ، يَزِدُ اللَّهَ فِي عُمْرِكَ» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۰) ؛ ای انس! طهارت و پاکیزگی را بیش‌تر رعایت کن تا خدا بر عمرت بیفزاید.

و در روایت دیگر رسول خدا (ص) می فرماید: « الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ بَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ وَ يُصَحِّحُ الْبَصَرَ » (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۳۹) ؛ شست و شوی دست پیش از غذا فقر را دور می‌کند و پس از غذا غم را بزدايد و دیده را بهبود بخشد.

و در روایتی دیگر از پیامبر خدا (ص) که ناظر بر سلامت دندان می باشد، حضرت می فرماید: «تَخَلَّلُوا عَلَى أَثَرِ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ صِحَّةٌ لِلنَّابِ وَ النَّوَاجِذِ، وَ يَجْلِبُ عَلَى

نگرشی فقهی بر مقابله با بیماری‌های واگیردار (ساجده العبدالخانی) ۷

العَبْدُ الرَّزْقُ» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۳۱)؛ در پی غذا خوردن، خلال کنید، چرا که مایه سلامت دندان‌های نیش و نواجذ (آسیا) است و برای انسان، جلب روزی می‌کند. امام علی (ع) نیز در روایتی می‌فرماید: «النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يَذْهَبُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَهُوَ طَهْرٌ لِلصَّلَاةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۹۵)؛ می‌فرماید: لباس پاکیزه غم و اندوه را می‌برد و موجب پاکیزگی نماز است و در حدیث دیگری از ایشان که می‌فرماید: «بِالعَافِيَةِ تُوجَدُ لَذَّةُ الْحَيَاةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۶۰)؛ می‌فرمایند: لذت زندگی با عافیت و سلامتی بدست می‌آید.

رسول خدا(ص) در احادیثی می‌فرماید: «لَا يَبِيْتَنَّ أَحَدُكُمْ وَ يَدُهُ غَمْرَةٌ، فَإِنْ فَعَلَ فَاصَابَهُ لَمَمُ الشَّيْطَانِ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۲۵)؛ هیچ کس نباید شب با دست چرب بخوابد و اگر چنین کرد و شیطان به او آسیب رساند جز خودش را سرزنش نکند همو می‌فرماید: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلَا يُدْخِلُ يَدَهُ فِي الْإِنْسَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ» (سیوطی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۶۹)؛ هرگاه از خواب برخاستید به طرفی دست نبرید مگر اینکه سه بار دستانتان را بشوید، زیرا هیچ یک از شما نمی‌داند که دستانش چگونه شب را گذرانید. و نیز می‌فرماید: «فُصُّوا أَطْفِيرَكُمْ وَادْفُنُوا قُلَامَاتِكُمْ وَتَقَوُّوا بِرَأْسِكُمْ وَنَظَّفُوا لَنَا تَكُمِ مِنَ الطَّعَامِ» (متقی، ۱۴۰۱ ق، ج ۶، ص ۶۵۵)؛ ناخن‌های خود را کوتاه کنید و اضافی آنها را دفن کنید و بندها و مفاصل انگشتان دست و پایتان را تمیز کنید و لته‌های خود را بعد از غذا خوردن پاکیزه کنید.

امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: «.. تَنْظِفُوا بِالْمَاءِ مِنَ النَّتَنِ الرَّيْحِ الَّذِي يُتَأَذَى بِهِ، تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ مَنْ عِبَادَهُ الْقَادُورَةَ الَّذِي يُتَأَنَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ...» (صدوق قمی، ۱۳۶۲ ش، ص ۶۲۰)؛ بوی بد و آزاردهنده را با آب بزدايید و خود را واریسی کنید (به پاکیزگی و نظافت خود حساس باشید)، که خدا بندگان چرکین و آلوده‌اش را که هم‌نشینانش از نشستن با او کراهت دارند، دشمن دارد.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: «الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَبَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ وَ يُصَحِّحُ الْبَصَرَ» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۳۹)؛ شست و شوی دست پیش از غذا فقر را دور می‌کند و پس از غذا غم را بزدايد و دیده را بهبود بخشد.

امیرمؤمنان (ع) می فرماید: « غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ » (ابن شعبه حرّانی ، ۱۴۰۴ ق ، ص ۱۰۱) ؛ شستن دستان پیش از غذا و پس از آن، روزی را زیاد می کند.

امام باقر (ع) می فرماید: « صَاحِبُ الرَّحْلِ يَتَوَضَّأُ أَوَّلَ الْقَوْمِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ آخِرَ الْقَوْمِ بَعْدَ الطَّعَامِ » (حمیری ، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۴) ؛ صاحبخانه پیش از غذا قبل از همه و پس از غذا بعد از همه دستان خود را می شوید.

امام صادق (ع) می فرماید: « الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ يَزِيدَانِ فِي الرِّزْقِ » (کلینی، ۱۴۰۷ ق ، ج ۶، ص ۲۹۰) ؛ شست و شوی دستان پیش از غذا و پس از آن روزی را بیفزاید و هم چنین می فرماید: « الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَبْدَأُ صَاحِبُ الْبَيْتِ لِنَلَأَ يَحْتَشِمُ أَحَدًا، فَلِذَا فَرَّغَ مِنَ الطَّعَامِ يَبْدَأُ مَنْ عَنْ يَمِينِ الْبَابِ حُرًّا كَانَ أَوْ عَبْدًا » (صدوق قمی، ۱۳۸۶ ق ، ص ۲۹۱) ؛ پیش از غذا صاحبخانه شستن دستان را آغاز می کند تا کسی خجالت نکشد؛ اما پس از غذا از سمت راست در [ورودی پذیرایی] شستن دستان بدون تفاوت میان افراد شروع می شود ؛ نیز می فرماید: « مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ وَ عُوْفَى مِنْ بَلْوَى فِي جَسَدِهِ » (کلینی، ۱۴۰۷ ق ، ج ۶، ص ۲۹۰) ؛ هرکس پیش و پس از غذا دستش را بشوید در گشایش و سلامتی زندگی می کند .

امام باقر (ع) می فرماید: « كُنْسُ الْبَيْوتِ يَنْفِي الْفَقْرَ » (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۵۷۱)؛ امام باقر (ع) فرمود: جارو کردن خانه ها، فقر را از بین می برد .

امام صادق (ص) می فرماید: « مَنْ تَنَحَّمَ فِي الْمَسْجِدِ ثُمَّ رَدَّهَا فِي جَوْفِهِ لَمْ تُمْرَ بِدَاءٍ إِلَّا أُبْرَأَتْهُ » (صدوق قمی ، ۱۴۱۳ ق ، ج ۱، ص ۲۳۳) ؛ هرکس در مسجد سرفه کند و اخلاط بینی و سینه اش را [به احترام مسجد] باز دارد این کار او را از بیماری نگه دارد.

راوی می گوید: « ... وَ لَا رَأَيْتُهُ تَفَلَّ ... » (صدوق قمی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۱۸۴) ؛ هرگز امام رضا (ع) را ندیدم که [در معابر عمومی] آب دهان بیندازد.

۳. بیماری واگیردار از نگاه روایت

در منابع دینی نمونه‌های فراوانی در مورد توصیه به بیماری‌های واگیردار وجود دارد که در بخش‌های مختلف ابواب حدیثی و فقهی می‌توان آن‌ها را نشان داد. به عنوان مثال در باب بیستم کتاب الاحتضار در مجموعه گرانقدر وسایل الشیعه با عنوان «بَابُ جَوَازِ الْفَرَارِ مِنْ مَكَانِ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونَ إِلَّا مَعَ وَجُوبِ الْإِقَامَةِ فِيهِ كَالْمُجَاهِدِ وَالْمُرَاطِطِ» (فصل مربوط به مجازبودن گریختن از جاهایی که وبا و طاعون در آن رواج دارد، جز در مواردی که ماندن در آن‌جا برای کسانی مانند رزمندگان و مرزداران واجب است) پنج روایت آمده است که مضمون همه آن‌ها بسیار به هم نزدیک و نشان‌گر ضرورت اتخاذ روش‌های عقلاهی و عقلانی در برابر بیماری‌ها و واگیر است. روایت نخست این بخش از امام صادق (ع) که می‌فرماید:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْوَبَاءِ يَكُونُ فِي نَاحِيَةِ الْمِصْرِ - فَيَتَحَوَّلُ الرَّجُلُ إِلَى نَاحِيَةِ أُخْرَى - أَوْ يَكُونُ فِي مِصْرٍ فَيَخْرُجُ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ، إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ لِمَكَانٍ رَبِّيَّةٍ كَانَتْ بِحِيَالِ الْعَدُوِّ فَوَقَعَ فِيهِمُ الْوَبَاءُ فَهَرَبُوا مِنْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْفَارُّ مِنْهُ كَالْفَارِّ مِنَ الزَّحْفِ - كَرَاهِيَّةٌ أَنْ تَخْلُوَ مَرَكَزَهُمْ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ج ۲، ص ۴۲۹ - ۴۳۰)؛

راوی حدیث می‌گوید از امام صادق علیه السلام در باره شیوع وبا در یک منطقه معین (شاید هم سرزمین مصر) و یا در هر سرزمینی پرسیدم که کسی که در آنجا ساکن است (از ترس وبا) منطقه را ترک می‌کند، حضرت فرمودند اشکالی ندارد، پیامبر از این امر برای ساکنان منطقه‌ای که در برابر دشمن بود و وبا در آنجا افتاد و مردمان آن شهر گریختند نهی کردند و فرمودند کسی که از وبا بگریزد همچون کسی است که از مقابل دشمن گریخته باشد، این را پیامبر از آن روی گفتند که منطقه آن‌ها (در برابر دشمن) خالی نشود. (و لذا گریختن مردم در شرایط عادی از مناطقی که در آن وبا هست، منعی ندارد)

وبا را برخی لغت‌دانان هم‌چون صاحب بن عباد در کتاب لغت المحيط فی اللغه (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۴۵۱) و واسطی زبیدی در تاج العروس (واسطی زبیدی حنفی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۷۱) و ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور،

۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۹) به مفهوم هر بیماری فراگیر دانسته‌اند. بنا بر این، می‌توان از این نوع روایات جواز مقابله با بیماری‌های واگیردار را برداشت کرد. گرچه این امر عقلی است و اگر هیچ روایتی هم در این باره نداشتیم، عقل و منش خردمندان همین حکم را صادر می‌کرد.

رسول خدا(ص) در مورد لزوم درمان بیماری می‌فرماید: «تَدَاوَوْا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُنْزِلْ دَاءً إِلَّا وَانزَلَ لَهُ شِفَاءً» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۶۲)؛ خودتان را مداوا کنید، زیرا خدای عزیز دردی را نازل نفرمود مگر اینکه برای آن شفایی [و دوايي] فرو فرستاد. امیرمؤمنان (ع) در نکوهش کتمان بیماری می‌فرماید: «مَنْ كَتَمَ الْأَطْيَاءَ مَرَضَهُ خَانَ بَدَنَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۸۴)؛ هر کس بیماری خود را از پزشکان کتمان کند به بدنش خیانت کرده است.

امام رضا (ع) در توصیه خود مراقبانه ای با تأکید بر دفع بیماری، می‌فرماید: «مَنْ أَرَادَ إِلَّا يَشْتَكِي مَثَانَتَهُ، فَلَا يَحْبِسِ الْبَوْلَ وَ لَوْ عَلَى ظَهْرِ دَابَّتِهِ» (علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۳۸۱ ش، ۳۷ - ۲۱)؛ هر کس می‌خواهد مثانه اش به بیماری ای مبتلا نشود، ادرار خود را نگه ندارد، حتی اگر بر پشت مرکب خود، نشسته باشد.

و در حدیث دیگری ایشان برای محافظت در برابر بیماری زکام در همه زمستان، خوردن هر روز سه لقمه عسل با موم و بوییدن نرگس را توصیه می‌کند و می‌فرماید:

مَنْ أَرَادَ دَفْعَ الزُّكَّامِ فِي الشِّتَاءِ أَجْمَعَ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ لُقْمٍ شَهْدٍ وَ لِيَشْمَ النَّرْجِسَ؛ فَإِنَّهُ يَأْمَنُ الزُّكَّامَ، وَكَذَلِكَ الْحَبَّةُ السُّودَاءُ وَ إِذَا جَاءَ الزُّكَّامُ فِي الصَّيْفِ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ خِيَارَةً وَاحِدَةً، وَ لِيَحْذِرِ الْجُلُوسَ فِي الشَّمْسِ (علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۳۸۱ ش، ص ۳۷؛ مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۶۲، ص ۳۲۴)؛

امام رضا (ع): هر کس می‌خواهد در همه زمستان از زکام ایمن بماند، هر روز، سه لقمه عسل با موم آن بخورد... و نرگس بپوید؛ چرا که از زکام، ایمنی می‌دهد. سیاه دانه نیز چنین است. اما اگر زکام در تابستان پیش آید، در هر روز، یک خیار بخورد و از نشستن در آفتاب، خودداری ورزد.

امام رضا (ع) با ارائه یک نکته بهداشتی جهت پیشگیری بیماری واگیردار پیسی و جذام، همگان را به مراقبت فرا می‌خواند تا به بیماری واگیردار پیسی و جذام مبتلا نشوند

و می‌فرماید: « مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَمَامِ خَزْفَةً فَحَكَ بِهَا جَسَدَهُ فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ مَنْ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدْ اغْتَسَلَ فِيهِ فَأَصَابَهُ الْجُذَامُ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.. » (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰۳)؛ امام رضا (ع) می‌فرماید: کسی که تکه سفالی را از حمام بردارد و با آن بدنش را خارش دهد و دچار بیماری پیسی شود، نباید جز خودش را سرزنش کند و هرکس از آبی که در آن شستشو کرده اند، شستشو و غسل کند و دچار مرض جذام شود، جز خودش را سرزنش نکند.

۴. قواعد فقهی مرتبط با مقابله بیماری‌های واگیردار

فقه اسلامی حاوی قواعدی است که بر اساس آن قواعد کلی، فقیهان حکم مصادیق و فروع را استخراج می‌کنند. در میان این قواعد کلیه قواعدی که بیانگر احکام ضمانات است، نه تنها برگرفته از منابع نقلی است، بسیاری از آن‌ها مستند به احکام مسلمه عقلیه می‌باشد. این احکام در مجموع حاوی یک پیام کلی انسانی است و آن عبارت است از حرمت نهادن به حیات آدمی اعم از خود و دیگران و نیز احترام به کرامت و آسایش دیگران. «دیگری شناسی» در این قواعد بسیار جالب است، جان دیگری، آسایش دیگری، آبروی دیگری، حیثیت و شرف دیگری و بالاخره مال دیگری همه محترم و هر کس باید نهایت احتیاط در رعایت آن‌ها را بنماید و در فرض اضرار و ورود خسارت مادی و معنوی موجب ضمان و مسئولیت مدنی می‌گردد و شخصی که عامل زیان شده مکلف به جبران و جلب رضایت خسارت دیده می‌باشد.

۱.۴ قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین و پرکاربردترین قواعد فقهی «قاعده لاضرر» است که فقها در ابواب مختلف به آن استناد می‌کنند. ادله این قاعده را (قرآن، روایت و عقل) بیان کرده‌اند. ریشه قاعده از حدیث نبوی نشأت گرفته است که فرمودند: «لاضرر ولاضرار فی الاسلام» یعنی در اسلام ضرر رساندن وجود ندارد. گفته شده که ضرر یعنی زیان رساندن بطور عمدی و ضرر اعم از این که عمدی باشد یا غیر عمدی. (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۹)

مرحوم نراقی معتقد است: منظور، نفی ضرر غیر متدارک است، مرحوم نراقی می‌گوید: شارع مقدس با این حکم، افراد را ملزم به جبران ضرر کرده است، یعنی هر کس که موجب ضرر و زیانی نسبت به غیر بشود، باید آن را جبران و تدارک کند و در نظر شارع موردی نیست که کسی به دیگری ضرر برساند و ملزم به جبران آن نباشد و به تعبیری، ضرر تدارک نشده یا غیر متدارک که ترتیب جبران آن داده نشود در اسلام وجود ندارد. (نراقی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۲۶۸)

امام خمینی (ره) در این باب معتقد ندکه پیامبر (ص) با توجه به مقام حکومتی خود، از ضرر و ضرار نهی کرده است. بنابراین، معنای روایت این می‌شود که پیامبر خدا (ص) به‌عنوان رهبر جامعه و حاکم اسلامی، مردم را از هرگونه زیان رسانی به دیگران باز می‌دارد و بر دیگران، پیروی از دستور وی واجب است. (خمینی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۱)

عدم رعایت بهداشت در بیماری‌های واگیردار یکی از عوامل ورود ضرر و زیان‌های جانی، مالی و معنوی به افراد خانواده و حتی جامعه می‌باشد.

در اسلام آلوده‌نمودن، محیط اجتماعی که باعث ضرر و زیان به جامعه شود به شدت نهی و تحریم گردیده و ضمان‌آور دانسته شده است. در صحیح حلی از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است «كُلُّ شَيْءٍ يُضِرُّ بِطَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۹، ص ۱۸۳)؛ یعنی هر چه که به راه مسلمانان آسیب برساند ضمانت‌آور است. با الغاء خصوصیت از راه و ابزار ضرر روایت به طور قطع شامل آلودگی محیط اجتماع و آسیب رسیدن به جامعه خواهد بود.

جوامع بشری، مخصوصاً جوامع پیشرفته علمی دنیا در جهت جلوگیری از ورود این خسارات، وظایفی را برای ارایه دهندگان خدمات سلامت تعریف و اجرا نموده‌اند. قاعده لاضرر که دستوری مناسب جهت جلوگیری از ایراد خسارت به اعضای جامعه اسلامی می‌باشد، در این زمینه اطباء و مسولین بهداشت را ملزم به انجام وظایف خود از جمله در زمینه ارایه آموزش مناسب به بیماران و خانواده‌ای آنان به جهت جلوگیری از ورود ضرر و زیان و انتقال بیماری به سایر افراد سالم جامعه کند و هر قاصر و مقصر در این زمینه را ضامن شمارد. این قاعده به جهت جنبه حکومتی آن نیز، دولت را به اهتمام در جهت سد عوامل زیان رسان به افراد جامعه مکلف نموده است. لذا دولت نیز باید با ترویج و نظارت

بر اجرای فرایند آموزش به بیمار دستور مترقی پیامبر (ص) را در جهت جلوگیری از ورود خسارت به افراد جامعه اسلامی و حفظ سلامت و صحت آنان، جامه عمل بپوشاند.

۲.۴ قاعده ارشاد

قاعده ارشاد برگرفته از عبارت فقهی «اعلام الجاهل علی العالم واجب» یعنی راهنمایی نادان بر دانا واجب است، می‌باشد. منظور از ارشاد بیان احکامی است که فرد نا آگاه، از آن اطلاع ندارد و همین سبب تمایز قاعده امر به معروف و نهی از منکر شده است. زیرا در قاعده ارشاد فرد، جاهل و ناآگاه از موضوع است ولی در قاعده امر به معروف و نهی از منکر، فرد ارشاد شونده به حکم آگاه است. (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ص ۳۴)

ادله قاعده را قرآن و روایت معصوم (ع) بیان نموده اند که البته بنای عقلا را نیز می‌توان مورد استناد قرار داد.

پزشکان و مسولین بهداشت، افرادی آگاه در زمینه های علوم پزشکی مرتبط با سلامت افراد جامعه، مخصوصا بیماران می‌باشند. از طرفی اکثر افراد جامعه از جمله بیماران در علوم فوق آگاهی کافی را ندارند. مراجعه بیمار به طبیب جهت درمان بیماری خود، از مصادیق مراجعه جاهل به عالم است. لذا برابر قاعده ارشاد طبیب مربوط موظف به ارشاد و آموزش بیمار در زمینه رعایت توصیه های ضروری و بر حذر داشتن وی از خطرات پیش رو می‌باشد.

۳.۴ قاعده وجوب دفع الضرر المحتمل بحکم العقل

قاعده وجوب از قواعد عقلی است که مضمون آن، حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مضمون است. مفهوم قاعده مبتنی بر لزوم پیشگیری از ضرری است که به وجود نیامده، ولی احتمال پدید آمدنش وجود دارد. همچنین مراد از زیان احتمالی «ضرر محتمل» است، خواه احتمال زیان اندک باشد و یا زیاد. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

در این قاعده از ضرر یا قدر متیقن از آن، زیان اخروی یا عقوبت است. جمعی از اصولیین نیز این قاعده را درباره پارهای امور مهم دنیوی که شارع به رعایت احتیاط در آنها اهتمام داشته است مانند جان، عرض و مال زیاد جاری دانسته اند. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۳۳۴)

به نظر اصولیین این قاعده از احکام ارشادی است، یعنی عقل انسان بدون استمداد از شرع به وجوب آن حکم می کند. در همین راستا روایتی از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که فرموده اند: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» (مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷۲، ص ۳۸؛ دیلمی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۱۸۴؛ شعیری، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۱۹)؛ یعنی همه شما سرپرست و مسؤول هستید و در باره زیر دستانتان باز خواست می شوید. بنای عقلا نیز بر این سخن پیامبر (ص) صحه می گذارد که اگر در جامعه ای همه افراد آن نسبت به یکدیگر مسؤولیت پذیر باشند، آن جامعه به سعادت نزدیکتر است. برابر مباحث مطرحه در خصوص این قاعده می توان ادعا نمود همه افراد وظیفه دفع ضرر محتمل از خود و دیگران را عهده دار می باشند

در همین موضوع، نامه ای از امام خمینی به برادرش آقای پسندیده گویای مشی ایشان در مواجهه با بیماری هاست. ایشان گفته بود:

شما را به خدای متعال قسم می دهم به حرف های دکتر ترتیب اثر دهید. چرا موجب نگرانی همه می شوید؟ خداوند لازم نموده است که در مواقع احتمال ضرر، انسان از آنچه موجب است اجتناب کند، اگر چه ترک حج و صوم و صلاه باشد. (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۰).

در بسیاری از موارد، بی اطلاعی بیماران از عوارض بیماری خود و عدم رعایت بهداشت و اصول زمینه ساز بروز ضرر و زیان های مختلف جانی و مالی به اطرافیان و بقیه افراد سالم شده و گاهی جامعه نیز در معرض خطر این ناآگاهی قرار می گیرد. مثلاً پزشکی در معاینات به این تشخیص می رسد که بیمارش دارای یکی از بیماری های واگیردار مانند سل و یا وبا می باشد. در این هنگام چنانچه پزشک و کادر درمانی از آموزش های لازم در زمینه پیش گیری از انتقال این نوع بیماری ها به خانواده بیمار و سایر افراد جامعه کوتاهی کند ضامن هستند، لذا در مواقعی که عدم رعایت بهداشت و نکات ایمنی و عدم بکار بردن آموزش های کادر درمان توسط بیماران ناقل بیماری، ورود ضرر و زیان های جانی و معنوی به سایر افراد جامعه را محتمل سازد، بر اساس قاعده فوق، بیمار و بستگان او مکلف به رعایت آموزش های لازم در جهت دفع ضررهای محتمل که همان انتقال بیماری به دیگران است، می باشند.

۴.۴. تزامم تجمعات عمومی با وجوب حفظ نفس

حفظ سلامت خود و مراقبت از سلامت دیگران در برابر بیماریهایی که خطر جانی و یا ضرر شدیدی داشته باشد، واجب شرعی است. دلیل عمده‌ی این مسأله همان گونه که بیان شد قاعده «لاضرر»؛ «قاعده ارشاد»

و قاعده «وجوب دفع الضرر المحتمل بحکم العقل» است که با مصادیق و موارد گوناگون در عبادات اعم از احکام طهارت و صلاه و صوم و حج و نیز معاملات و اطعمه و اشربه و احکام تداوی و نیز ضمان بالمباشرة و بالتسبیب آمده است. علاوه بر این، قرآن کریم که به صراحت قتل نفس را برابر با قتل همه انسانها و احیای نفس را برابر با احیای همه بشریت می‌داند و از القای نفس به تهلکه منع کرده است که می‌فرماید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...» (بقره، آیه ۱۹۵)؛ یعنی خود را به دست خویش به تباهی و هلاکت نیندازید؛

بنابراین هر گونه سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی در جان و سلامت و بهداشت عمومی به طور قطع از سینات بزرگ است که مرتکب آن، مستحق عذاب الهی شمرده شده است.

روایات متعددی وجود دارد که حفظ جان را در تزامم با حفظ مال و موارد دیگر مقدم می‌داند. حفظ جان از مقاصد مهم پنج‌گانه شریعت دانسته شده است. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۰۲-۱۰۸)

عقل و فطرت و وجدان نیز، حکم به وجوب حفظ نفس می‌کند و حفظ نفس از مستقلات عقلیه است. بدیهی است هر اقدامی که جان خود یا دیگری را در معرض آسیب قرار می‌دهد، حرام است و مسئولیت آور است و ضمان شرعی دارد.

در تجمعات عمومی که احتمال عقلایی انتشار بیماری مسری و واگیر دار، در آن وجود دارد و امکان کنترل و تشخیص بیماران مسری یا افراد در معرض آسیب از نظر پزشکی وجود ندارد و کارشناس مورد اعتماد نظر می‌دهد که هرگونه تجمعی مضر است و برای سلامتی و بهداشت عمومی خطر دارد، بلاشک این‌گونه تجمعات حتی مذهبی و عبادی مثل نماز جمعه و اعتکاف عمومی در مسجد جامع تا زمانی که ضرر عقلایی برای سلامتی و بهداشت عمومی وجود دارد، باید تعطیل شود. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۱۰)

دلیل آن قاعده وجوب حفظ نفس و قاعده لاضرر و قاعده لا حرج و رفع عسر و مشقت و قاعده تیسیر احکام شریعت است.

به عنوان مثال اقامه نماز جمعه با آنکه از شعائر بزرگ اسلامی است و اقامه آن برکات و فضیلت و اجر زیادی دارد و ترک آن در صورت اقامه با همه شرایط از روی بی‌اعتنائی جایز نیست و به شدت مذمت شده است، اگر چه وجوب آن در اصل تخییری است، با این وصف در صورت وجود اعداری ترک آن جایز بلکه واجب می‌شود. در این زمینه صاحب جواهر می‌فرماید: «إن حصل ما يصلح لسقوط التکلیف من ضرر أو مشقة لا تتحمل و نحوها مما یندرج به تحت العسر و الحرج أو أهمية واجب آخر مع التعارض و نحوها توجه السقوط، و إلا فلا» (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۱، ص ۲۶۲)؛ یعنی اگر آنچه موجب سقوط تکلیف فریضه جمعه شود مانند ضرر یا سختی و مانند آن که قابل تحمل نباشد به گونه‌ای که تحت عنوان عسر و حرج مندرج شود یا در تعارض با واجب اهم دیگری باشد (نظیر تعارض با جهاد و حفظ ثغور) در این صورت فریضه جمعه از مکلف ساقط می‌شود. در غیر این صورت سقوط فریضه جمعه از مکلف وجهی ندارد. در فرض مسأله با شیوع بیماری و اگیردار به طور جدی، تجمعات عمومی در تزامم با وجوب حفظ نفس خود و دیگران و رعایت بهداشت عمومی است و به تشخیص ستاد ملی مبارزه با بیماری و اگیردار و اعلام شورای سیاستگذاری نماز جمعه، اقامه نماز جمعه عند اللزوم تعطیل و اقامه آن جایز نخواهد بود. در هر موردی که تزامم بین مصلحت عمومی و مفسده عمومی رخ دهد و ملاک مفسده عمومی ارجح باشد، مصلحت عمومی برای جلوگیری از مفسده عمومی متوقف می‌شود، بنابراین مصلحت اقامه نماز جمعه متوقف می‌شود تا از مفسده خطر جانی و گسترش بیماری و اگیردار جلوگیری شود.

درخصوص این موضوع، می‌توان به نامه‌ای از امام خمینی به برادرش آقای پسندیده اشاره کرد که گویای مشی ایشان در مواجهه با بیماری‌ها می‌باشد؛ ایشان گفته بود:

شما را به خدای متعال قسم می‌دهم به حرف‌های دکتر ترتیب اثر دهید. چرا موجب نگرانی همه می‌شوید؟ خداوند لازم نموده است که در مواقع احتمال ضرر، انسان از آنچه موجب است اجتناب کند، اگر چه ترک حج و صوم و صلاه باشد. (خمینی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰، ص ۳۰)

۵. نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام حفظ سلامت خود و مراقبت از سلامت دیگران در برابر بیماری‌های واگیردار که خطر جانی و یا ضرر شدیدی داشته باشد، واجب شرعی قرار داده و روایات متعددی وجود دارد که حفظ جان را در تراحم با حفظ مال و موارد دیگر مقدم می‌داند، عقل و فطرت و وجدان نیز، حکم به وجوب حفظ نفس می‌کند. علاوه بر این موارد دلیل عمده‌ی این مسأله قواعد فقهیه مانند: «قاعده لاضرر»؛ «قاعده ارشاد» و قاعده «وجوب دفع الضرر المحتمل بحکم العقل» می‌باشد، اشاره به این مطلب دارد که هر اقدامی که جان خود یا دیگری را در معرض آسیب قرار می‌دهد، حرام است و مسئولیت آور است و ضمان شرعی دارد و در تجمعات عمومی که جنبه عبادی دارند مانند نمازهای جماعت و زیارات اماکن مقدسه و هیئت‌های مذهبی و عزاداری چون احتمال عقلایی انتشار بیماری مسری و واگیر دار، در آنجا وجود دارد و امکان کنترل و تشخیص بیماران مسری یا افراد در معرض آسیب از نظر پزشکی وجود ندارد لذا برای سلامتی و بهداشت عمومی خطر داشته و ممنوعیت شرعی حضور در این اجتماعات ایجاد شده و حفظ جان مقدم شده و لازم است تا زمانی که ضرر عقلایی برای سلامتی و بهداشت عمومی وجود دارد، این اجتماعات تعطیل شوند.

کتاب‌نامه

قرآن

- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ ق)، کفایة الأصول، چاپ اول، قم.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر، چاپ سوم، بیروت.
- ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی مغربی (۱۳۸۵ ق)، دعائم الإسلام، ۲ جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ دوم، قم.
- بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ موسوی (۱۴۱۹ ق)، القواعد الفقهیه (للبجنوردی، السید حسن)، ۷ جلد، نشر الهادی، چاپ اول، قم.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (١٣٦٦)، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق)، وسائل الشیعة، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام،
چاپ اول، قم.

حمیری، عبد الله بن جعفر (١٤١٣ ق)، قرب الإسناد، در یک جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام،
چاپ اول، قم.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (١٤١٧ ق)، تاریخ بغداد، دار الکتب العلمیة، بیروت.
خمینی، روح الله (١٤١٠ ق)، الرسائل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران.
خمینی، روح الله (١٣٨٩ ش)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
دیلمی، حسن بن ابی الحسن (١٣٧٧ ش)، ارشاد القلوب، دار الکتب الإسلامیة، تهران.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر (١٤٢٩ ق)، الجامع الصغیر، دار الفکر، بیروت.
شعیری، محمد بن محمد (١٣٦٣ ش)، جامع الأخبار، المطبعة الحیدریة، نجف.
صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (١٤١٤ ق)، المحيط فی اللغة، ١٠ جلد، عالم الکتب، چاپ اول،
بیروت.

صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (١٣٦٢ ش)، الخصال، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (١٣٨٦ ق)، علل الشرائع، ٢ جلد، قم، کتابفروشی داوری،
چاپ اول.

صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (١٣٨٠ ش)، عیون اخبار الرضا (ع)، دار الکتب الاسلامیة،
تهران.

صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (١٤١٣ ق)، من لا یحضره الفقیه، ٤ جلد، دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم.


طبرسی، حسن بن فضل (١٤١٢ ق)، مکارم الأخلاق، الشریف الرضی، قم.
علی بن موسی الرضا (ع) (١٣٨١ ش)، طب الرضا (ع)، معراجی، تهران.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (١٤٠٧ ق)، الکافی، ٨ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
متقی، علاء الدین علی بن حسام الدین (١٤٠١ ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، مؤسسه
الرسالة، چاپ پنجم، بیروت.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (١٤١٠ ق)، بحار الأنوار، جلد ٣٣، مؤسسه الطبع و النشر،
چاپ اول، بیروت.

نگرشی فقهی بر مقابله با بیماری‌های واگیردار (ساجده العبدالخانی) ۱۹

- محقق داماد یزدی، مصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ جلد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، قم.
- مستغفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۵ ق)، طب النبوی (ص)، مکتبه الحیدریه، نجف.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ ق)، مائتة قاعدة فقهیه، در یک جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، قم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق)، الامالی، کنگره شیخ مفید، قم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ ق)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
- واسطی زبیدی حنفی، محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، بیروت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی